ویژه‌نامه تبیین شخصیت جامع رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای- ۷

گزیده‌ای از شماره ۲۷ نشریه علمی فرهنگی «خط»

روایت انتخاب

روایت انتخاب آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای به رهبری انقلاب اسلامی در گفتاری از آیت‌الله عباس کعبی (عضو هیئت‌رئیسه مجلس خبرگان رهبری)

شهادت قائد عظیم‌الشأن، امام خامنه‌ای را تسلیت عرض می‌کنم. همان‌گونه که شهادت سید شهیدان امام حسین علیه‌السلام اسلام را ماندگار کرد، شهادت قائد عظیم‌الشأن امت، امام خامنه‌ای- رضوان الله تعالی علیه- ماندگاری انقلاب اسلامی را تضمین نمود. حقیقتاً، خون بر شمشیر پیروز است؛ این درس کربلا است.

یکی از برکات زودهنگام شهادت این امام عظیم‌الشأن این است که خدای تبارک و تعالی در سایه لطف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دل‌های ملت مؤمن، انقلابی و حسینی حاضر در میدان را متوجه خلف شایسته و صالح ایشان نمود.

دل‌های امنای ملت، خبرگان عادل، بصیر و انقلابی در شب ضربت خوردن مولای موحدان و در شب قدر، شب تقدیر، شب سرنوشت، شب نزول فرشته‌ها بر صاحب امر، در همچین شب عظیمی متوجه حضرت آیت‌الله آقای سید مجتبی خامنه‌ای شد و ایشان به‌عنوان منتخب مجلس خبرگان به ملت و امت معرفی شد.

در همان شب قدر، همزمان با توسل به قرآن، به چهارده معصوم علیهم‌السلام و قرآن به سر کردن، ملت بلافاصله بیعت نمود و به‌تدریج اقشار گوناگون ملت، نخبگان حوزه و دانشگاه، احزاب، گروه‌ها و جریان‌های مختلف با نهضت امام عظیم‌الشأن و شهدای والامقام اسلام تجدید بیعت کردند و با رهبر عزیز سوم انقلاب اسلامی بیعت کردند.

یکی از برکات زودهنگام شهادت این امام عظیم‌الشأن این است که خدای تبارک و تعالی در سایه لطف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دل‌های ملت مؤمن، انقلابی و حسینی حاضر در میدان را متوجه خلف شایسته و صالح ایشان نمود. دل‌های امنای ملت، خبرگان عادل، بصیر و انقلابی در شب ضربت خوردن مولای موحدان و در شب قدر، شب تقدیر، شب سرنوشت، شب نزول فرشته‌ها بر صاحب امر، در همچین شب عظیمی متوجه حضرت آیت‌الله آقای سید مجتبی خامنه‌ای شد و ایشان به‌عنوان منتخب مجلس خبرگان به ملت و امت معرفی شد.

ساعات نخستین

از همان لحظه اول رسیدن خبر شهادت امام عظیم‌الشأن‌مان، هیئت‌رئیسه خبرگان در ساعت هشت صبح یکشنبه جلسه گرفت و رایزنی‌ها شروع شد. فرایند قانونی و شرعی این تصمیم بزرگ براساس قانون اساسی و براساس آیین‌نامه طراحی شد و هیئت‌رئیسه جلسات پیوسته‌ای داشتند. من شهادت شرعی می‌دهم که ما یک لحظه را از دست ندادیم و همواره خبرگان دو نفر، سه نفر، چهار نفر، پنج نفر، ده نفر، پانزده نفر، بیست نفر باهم رایزنی می‌کردند.

هیئت سه نفره

ما کمیته‌ای به نام کمیته سه‌نفره منبعث از اصل ۱۰۷ و ۱۰۹ قانون اساسی داشتیم. در این کمیته بزرگانی مثل مرحوم آیت‌الله امینی، مرحوم آیت‌الله یزدی، مرحوم آیت‌الله مؤمن، مرحوم آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی و دیگران عضو بودند. این کمیته افرادی را که در طول این مدت در مظان رهبری هستند را رصد کرده و برای آن‌ها پرونده تشکیل می‌دادند. در مجموع ما هشت کمیته سه‌نفره از سال ۱۳۷۷ تا ۱۴۰۴ داشتیم و در این کمیته‌ها بیش از ۲۳ نفر مورد بررسی قرار گرفتند. [در این باره] هزاران صفحه تدوین شد. پرونده‌های هرکدام مجزا مورد بحث و کنکاش قرار گرفته و این سابقه مورد توجه هیئت‌رئیسه و مورد توجه خبرگان هم بود. ما در کمیسیون‌های مختلف خبرگان بررسی کردیم و توصیه مشخصی از رهبر معظم انقلاب نسبت به گزینه‌ای وجود نداشت و رهبری با ما بیشتر شاخص‌ها را مطرح می‌کرد. در کمیسیون تحقیق مجلس خبرگان که چند دفعه خدمت حضرت آقا رسیده بودیم، ایشان بر تقوای مالی و آمریکاستیزی، صهیونیست‌ستیزی و اعتقاد عمیق به مبانی انقلاب تأکید ویژه داشتند. همه این موارد مورد توجه واقع شد. مقبولیت عامه و نفوذ کلمه هم مورد توجه واقع شد.

فرایند انتخاب

ما دو فرایند را مشخص کرده بودیم: ۱- فرایند رأی کتبی و غیرحضوری؛ چون شرایط خطرناک جنگ و تهدید مستقیم دشمن وجود داشت. ۲- فرایند تشکیل جلسه حضوری که گفتیم اگر بشود جلسه حضوری تشکیل بدهیم، در جلسه حضوری این کار را انجام می‌دهیم؛ اگر نشد، با فرایند غیرحضوری و رأی کتبی بر طبق اصلاح آیین‌نامه کار را پیش ببریم و هر دو فرایند را شروع کردیم و رایزنی‌ها هم انجام شد. بعضی از نهادهای قانونی کشور اصرار داشتند مجلس خبرگان جلسه حضوری بگیرد برای اینکه در سابقه بماند. این دیدگاه هم البته مورد توجه ما بود ولی نگران بودیم جلسه حضوری ممکن نشود؛ بنابراین دو فرایند را شروع کردیم.

[در این موضوع] رایزنی هم شد و در مورد همه گزینه‌هایی که ممکن بود بحث شود، بحث شد. آقایان خبرگان در کمال آزادی و طبق نظر کارشناسی و براساس وظیفه شرعی، علاوه بر تحقیقاتی که کمیته سه‌نفره و گزارش‌هایی که این کمیته داده بود، خودشان تحقیقات گسترده‌ای داشتند و ادامه دادند و سؤال و جواب می‌کردند. [اعضای محترم مجلس خبرگان] مباحثات، مناقشات و تأملات خود را در همه ابعاد ادامه دادند تا اینکه به تصمیم رسیدند. تقریباً قبل از جلسه تاریخی، می‌شد پیش‌بینی کرد که جلسه خبرگان اگر تشکیل بشود به چه می‌انجامد.

آن جلسه تاریخی

چند بار تصمیم گرفته شد که جلسه علنی گرفته شود و بنا به شرایط امنیتی، آن جلسات لغو شده بود. در واقع در آن شبی که جلسه برگزار شد، احتمال اینکه ما بتوانیم جلسه تشکیل بدهیم، باید بگویم پنجاه- پنجاه بود.

چون از یک طرف دشمن دبیرخانه خبرگان را زده بود و بعضی از کارکنان خبرگان و بعضی از نیروهای حراستی آنجا شهید شدند و حتی به این هم اکتفا نکردند و ساختمان قدیم دبیرخانه خبرگان را هم زده بود و تهدید مستقیم هم می‌کرد که ما اجازه نمی‌دهیم جلسه تشکیل شود. منتها خبرگان مصمم بودند و جلسه بحمدالله در فضائی آکنده از معنویت و اخلاص و توسل به حضرت بقیه‌الله الاعظم تشکیل شد و حقیقتاً اگر بخواهم وصف بکنم آن شب تاریخی را باید بگویم فضائی که در آن شب حاکم بود، فضائی توحیدی و فضای توسل به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و فضای عمل به تکلیف شرعی بود. آنجا بحث‌های جامع‌الاطرافی مطرح شد و در نهایت برگه‌های رأی توزیع شد و رأی‌گیری در مورد گزینه‌های مورد نظر خبرگان با آزادی تمام انجام شد و خبرگان رأی مخفی خود را انداختند.

رأی خبرگان رأی قاطعی بود. باید بگویم بیش از ۹۰ درصد حاضران در جلسه به ولایت حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای رأی دادند و این همراه شد با تکبیر و شکر و سپاس و حمد الهی. خبرگان از همان جا عهد بستند همان‌گونه که در تشخیص ولی‌فقیه مخلصانه عمل کردند، در حمایت از ولی‌فقیه و وفاداری به ولی‌فقیه پای کار بایستند و همان جا بیعت هم کردند. شاید بگویم اکثریت نماز شکر را هم به جا آوردند و خدا را سپاس گفتیم و همان لحظه که خبر منتشر شد، موجی از سپاس و شکر و در نهایت بیعت عمومی و ملی اتفاق افتاد.

من باید بشارت بدهم به ملت بزرگ ایران که دوران امامت امام گام دوم انقلاب اسلامی، دوران گشایش و دوران عملیاتی نمودن مهندسی حکمرانی امام شهیدمان خواهد شد. [این دوران] دوران تحول در حکمرانی، دوران میدان‌داری نیروهای مؤمن، انقلابی، بانشاط، دانا و توانا است؛ دوران به فعلیت رساندن استعدادهای درخشان و ظرفیت‌های عظیم جوانان در عرصه‌های گوناگون است.

ما خدا را سپاس می‌گوییم بر نعمت‌های بی‌کران او و بر این نعمت هدایت دل‌های خبرگان به‌سوی این انتخاب بزرگ تاریخی در شب قدر.

عهد رهبری عزیز سوم انقلاب، عهد پیوند عظیم امت و امامت خواهد بود. از خدا می‌خواهیم که به ما توفیق سربازی این امام گام دوم را کرامت بفرماید؛ همان‌گونه که توفیق سربازی امام شهیدمان را کرامت نمود.

ما در کمیسیون‌های مختلف خبرگان بررسی کردیم و توصیه مشخصی از رهبر معظم انقلاب نسبت به گزینه‌ای وجود نداشت و رهبری با ما بیشتر شاخص‌ها را مطرح می‌کرد. در کمیسیون تحقیق مجلس خبرگان که چند دفعه خدمت حضرت آقا رسیده بودیم، ایشان بر تقوای مالی و آمریکاستیزی، صهیونیست‌ستیزی و اعتقاد عمیق به مبانی انقلاب تأکید ویژه داشتند. همه این موارد مورد توجه واقع شد. مقبولیت عامه و نفوذ کلمه هم مورد توجه واقع شد... رأی خبرگان رأی قاطعی بود. باید بگویم بیش از ۹۰ درصد حاضران در جلسه به ولایت حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای رأی دادند و این همراه شد با تکبیر و شکر و سپاس و حمد الهی.

به قدر مردم

الهام خیر امت به رهبر جامعه در بیانات استاد محمدتقی فیاض‌بخش در مراسم احیای شب بیست و سوم ماه رمضان

من لازم دیدم به مناسبت بیعت‌هایی که در این ایام با رهبر جدید انقلاب انجام می‌گیرد، نکته‌ای را به رفقا عرض کنم که از نظر سلوکی برای همه ما بسیار کارگشا است.

خداوند در سوره انبیا، پس از آنکه از تعدادی پیامبران خود یاد می‌کند، قاعده‌ای را برای ما ذکر می‌کند که بسیار مهم است.

خداوند می‌فرماید: این انبیایی که برای شما ذکر کردیم، «أَوْحَیْنَا إِلَیْهِمْ فِعْلَ الْخَیْرَاتِ»؛ یعنی ما لحظه به لحظه زندگی آن‌ها را تحت تکفل خود گرفتیم و افعال خیر را به آن‌ها وحی کردیم.

مرحوم علامه طباطبایی ذیل این آیه بیان می‌دارند که مراد از این بیان الهی صرفاً نزول وحی تشریعی و کتب آسمانی نیست، بلکه دلالتی باطنی به کارهای خوب است که ایشان را مؤیّد به قوتی ربّانی می‌سازد که به فعل خیرات و اقامه نماز و دادن زکات دعوت می‌کند.

مراد خداوند در آیه شریفه، بندگان خاص و رهبران الهی است که عده‌ای از مؤمنان را تحت تکفل خود دارند.

او هیچ‌گاه ایشان را رها نمی‌نماید و کارهای نیک را به ایشان الهام می‌کند.

گاهی اوقات رهبر، معصوم به عصمت الهی است؛ مانند انبیا علیهم‌السلام که جایگاهشان نزد پروردگار روشن است. گاهی اوقات نیز ولی امر به دلیل تقوایی که دارد، نزد خداوند صاحب قیمت می‌شود و خداوند او را در کنف حمایت خویش می‌گیرد؛ «فَأَمَّا مَنْ أَعْطَی وَاتَّقَی، وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَی، فَسَنُیَسِّرُهُ لِلْیُسْرَی». این قاعده الهی است که هرکس تقوا پیشه کند و انسان بخشنده‌ای باشد و در عین حال ایمان به توحید و ولایت داشته باشد، خداوند قطعاً در زندگی مسیر را برای او روشن می‌کند.

ما تردیدی در این نداریم. پس خداوند تضمین فرموده که خیر امت و صلاح و سداد طریق را به رهبرانی که تالی تلو انبیا علیهم‌السلام هستند و می‌خواهند راه ایشان را برای امت روشن کنند، الهام می‌کند. اما گاهی اوقات در کنار تقوای رهبری، خداوند به‌واسطه رحمت و محبتی که به رعیت دارد، راه هدایت و خیر امت را به رهبر القا می‌کند.

لذا این آیه قاعده‌ای کلی را به ما بیان می‌دارد.

این قاعده از کوچک‌ترین جامعه یعنی خانواده تا جوامع بزرگ‌تر تا رهبری امت را شامل می‌شود.

یک دختر و پسر تا زمانی که ازدواج نکرده‌اند، خداوند آن‌ها را به میزان تقوایی که دارند تحت تربیت می‌گیرد؛ مثلاً ایشان را در معرض گناه قرار نمی‌دهد و در بزنگاه‌ها دستشان را می‌گیرد.

اما وقتی ایشان ازدواج می‌کنند و پای فرزندی به خانواده باز می‌شود، در موقعیت‌های حساس، اگر تقوا داشته باشند، خداوند در مسیر تربیت فرزند نیز از ایشان دستگیری می‌کند و از هدایت و الهامات الهی بهره‌مند می‌شوند؛ گرچه حتی شاید خودشان هم متوجه نشوند.

این امر درباره معلم هم صادق است. مرحوم استاد مطهری می‌فرمود: من گاهی اوقات در مطالعاتم به مسئله‌ای برمی‌خوردم که برایم حل نمی‌شد؛ هرچه فکر و مطالعه هم می‌کردم برایم حل نمی‌شد.

بعد ایشان می‌گفت: وقتی با کمال اطمینان به وعده پروردگار این مسئله را در کلاس درس یا در یک مجلس سخنرانی مطرح می‌کردم، می‌دیدم برایم حل می‌شود.

ایشان می‌گفت: متوجه می‌شدم که من قابل نبودم که خداوند این مسئله را برایم حل کند، بلکه مخاطبین من قابل بودند. لذا خداوند به‌دلیل رحمت به مخاطبین به من رحمت می‌کرد.

لذا بر امت است که با پایمردی بر طریق توحید، تزکیه و تهذیب، زمینه نزول برکات و رحمت‌های الهی را فراهم نمایند و دست رهبرشان را در هدایت امور پر کنند.

از خداوند می‌خواهیم که رهبر عزیزمان را که خلف صالح رهبر شهیدمان است، تحت تکفل و هدایت و عنایات خاص‌الخاص خود قرار دهد و طریق صلاح و سداد امت را به او الهام کند و به خصوص او را کمک کند تا در این روزگار، این کشتی طوفان‌زده را در برابر این شیاطین اکبر به ساحل نجات برساند.

ایستگاه خیابان روزولت؛ روایتی از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا- ٤

محمد محبوبی

چهار رکن لانه جاسوسی آمریکا در تهران

ساخت‌وسازهای فیزیکی در محوطه سفارت آمریکا در تهران تا سالیان بعد ادامه داشت به موازات توسعه فیزیکی، سفارتخانه تشکیلات و ساختار سفارت هم در حال متورم‌شدن بود در یکی از گزارش‌های اداره کل هشتم ساواک (ضد جاسوسی که در سال ۱۳۵۷ تنظیم شده بود، آمده سفارت آمریکا در تهران از ۲۱ بخش اداری تشکیل شده که جمعاً ۲۰۸ نفر کادر خارجی و ۲۱۲ نفر کارمند محلی دارد. بخش‌های، سیاسی کنسولی، اطلاعات نظامی اقتصادی بازرگانی ارتباطات و نمایندگی سی‌آی‌ای تنها گوشه‌ای از ساختار گسترده و پیچیده سفارت آمریکا بود مؤسسات وابسته به سفارت هم به وسعت این ساختار افزوده بودند. انجمن دوستداران آمریکایی خاورمیانه کمیسیون فولبرایت، شرکت هواپیمایی پان، آمریکن میسیون مذهبی آمریکا در تهران و انجمن‌های روابط فرهنگی ایران و آمریکا که در شهرهای بزرگ کشور شعبه داشت.

مطابق تحلیل اداره کل هشتم ساواک در ساختار گسترده سفارت آمریکا چهار اداره حساس و مهم وجود داشت که ارکان سیاست آمریکا در ایران محسوب می‌شدند. بخش، سیاسی اداره مستشاری اداره اطلاعات و نمایندگی سی‌آی‌ای این چهار رکن که سیاست آمریکا در ایران را معین می‌کردند. نمایندگی چهار سازمان دولت ایالات متحده آمریکا را برعهده داشتند. وزارت امور خارجه وزارت دفاع سازمان ارتباطات بین المللی و سازمان سی‌آی‌ای می‌توان چنین در نظر گرفت که در کنار سفیر آمریکا در تهران چهار کرسی ریاست بخش، سیاسی وابستگی دفاعی وابستگی مطبوعاتی و ریاست ایستگاه اداره کل هشتم ساواک که متولی وظایف ضد جاسوسی بود، تحرکات سفارت آمریکا و ایستگاه سی‌آی‌ای را رصد می‌کرد اما این نظارت صرفاً استطلاعی بود و هیچگاه منجر به اقدام خاصی نمی‌شد. نحوه مواجهه ساواک با فعالیت‌های سی‌آی‌ای در یکی از گزارش‌ها به خوبی توصیف شده است: «اداره کل هشتم با توجه به... روابط کشور شاهنشاهی با ایالات متحده آمریکا در زمینه‌های مختلف از نظر وظایف ضد جاسوسی رویه تهاجمی نداشته و فقط با استفاده از امکانات شنود تلفنی و گسترش منابع انسانی تا حدود امکان اعضای نمایندگی سرویس اطلاعاتی سیا را شناسایی و نوع هدف‌ها و فعالیت آنان را مشخص و پیگیری می‌نماید.

سی‌آی‌ای در تعیین سیاست آمریکا در ایران جدی‌ترین نقش را ایفا می‌کردند. نخستین رکن تعیین سیاست ایالات‌متحده در ایران بخش سیاسی سفارت آمریکا در تهران» بود. عمده فعالیت بخش سیاسی سفارتخانه، تهیه گزارش‌های سیاسی نوبه‌ای بود که مطابق یک برنامه منظم و منسجم، موضوعات سیاسی گسترده‌ای را پوشش می‌داد، بخش سیاسی خود به دو قسمت مسائل داخلی و مسائل خارجی تقسیم می‌شد، قسمت مسائل داخلی موظف به تهیه گزارش‌های مستمر درباره موضوعات داخلی ایران بود. این موضوعات همگی در یک برنامه مدون تنظیم شده بودند. فعالیت احزاب، سیاسی امور زنان حقوق بشر، مقامات ایران و رویدادهای داخلی برخی از موضوعات مندرج در برنامه مسائل داخلی بود. علاوه‌بر این موارد پرونده‌های بیوگرافیک از رجال و مقامات مختلف هم تهیه می‌شد و به دفعات مورد مراجعه اعضای سفارتخانه قرار می‌گرفت. بخش سیاسی سفارتخانه در قسمت مسائل، خارجی گزارش‌های جامع و دقیقی درباره روابط خارجی ایران تهیه می‌کرد. تمرکز قسمت مسائل خارجی بر روابط ایران با همسایگان نزدیکش شیخ‌نشینان حوزه خلیج‌فارس، منطقه غرب آسیا، آمریکا و شوروی بود. افزون بر گزارش رویدادها، تجزیه و تحلیل روابط خارجی ایران هم در دستور کار قسمت خارجی قرار داشت. وابستگی دفاعی آمریکا در ایران، دومین رکنی بود که بر تعیین سیاست‌های واشنگتن اثر می‌گذاشت. مدیریت کلان مسائل مربوط به هیئت نمایندگی نظامی و مستشاری نظامی، برعهده وابستگی دفاعی سفارت آمریکا در تهران، نماینده وزارت دفاع این کشور بود. اهمیت مضاعف وابستگی دفاعی را باید در فعالیت‌های اطلاعاتی آن مشاهده کرد. وابسته دفاعی سفارت آمریکا از هر نیرو و یگانی که باشد ناگزیر عضو سازمان اطلاعات دفاعی دی‌آی‌ای بود. طبق گزارش بازرس ارشد سفارتخانه که در تیر ۱۳۵۷ تهیه شده، هیئت مستشاری نظامی بسیار بزرگ و مستقر در محل همتای خویش در نیروهای دفاعی ایران گاهی اوقات نقش وابسته دفاعی را به‌عنوان رابط بین نیروهای دفاعی ایران و به‌عنوان مشاور سفیر در مسائل نظامی این کشور را برعهده می‌گیرد. با این حال می‌گویند که ایرانی‌ها نسبت به گردآوری اطلاعات نظامی توسط خارجی‌ها حساس هستند و به دقت کانال‌های رابط وابسته دفاعی را زیر نظر می‌گیرند. مع ذلک دفتر وابسته دفاعی در زمینه تهیه گزارشات بیوگرافیک حائز اهمیت از نظر واحد مشغول کار است. اهمیت وابستگی دفاعی سفارت آمریکا در تهران را می‌توان در ماه‌های آغازین سال ۱۳۵۸ لمس کرد؛ زمانی که کماکان با منابعش در نیروهای مسلح در ارتباط بود و اطلاعات کشور را از طریق دفتر وابستگی دفاعی سفارت به سازمان دی‌آی‌ای منتقل می‌کرد. سومین رکن سیاست سفارت آمریکا یعنی اداره اطلاعات سفارت آمریکا»، مسئولیت اطلاع‌رسانی در زمینه مسائل فرهنگی و مطبوعاتی آمریکا به متقاضیان ایرانی و همچنین جمع‌آوری همین اطلاعات را برعهده داشت. وظیفه دیگر این اداره نفوذ در طبقات فرهنگی و مطبوعاتی ایران بود. به بیانی دیگر، مأموران اداره اطلاعات سفارت آمریکا، کنشگران دیپلماسی عمومی این کشور بودند و تصاویر رسانه‌ای را مهندسی می‌کردند. اداره اطلاعات سفارتخانه گزارش‌های خود را برای سازمان ارتباطات بین‌المللی ایالات‌متحده ارسال می‌کرد و دستورالعمل‌هایش را از همانجا می‌گرفت. رئیس اداره اطلاعات سفارتخانه در واقع همان وابسته مطبوعاتی سفارت بود. سوابق اداره اطلاعات سفارت آمریکا در تهران نشان می‌دهد که اغلب کارمندان آن افسران اطلاعاتی سی‌آی‌ای بوده‌اند. اداره کل هشتم ساواک از این سوابق نتیجه گرفت که نمایندگی سی‌آی‌ای در تهران مجدانه پیگیر نفوذ در گروه‌های مختلف به‌ویژه روشنفکران و تحصیلکرده‌های ایران بود و به همین دلیل اداره اطلاعات سفارت، پیوسته ضیافت‌هایی را برای این طبقات برگزار می‌کرد. اداره اطلاعات، خود از چهار قسمت فرهنگی، مطبوعاتی، انجمن‌ها و نشریات تشکیل می‌شد.

چهارمین و مهم‌ترین رکن سیاست سفارت آمریکا «نمایندگی سی‌آی‌ای در سفارت آمریکا» در تهران بود. فعالیت‌های نمایندگی سی‌آی‌ای در تهران اندکی پس از تأسیس این سازمان در ۱۳۲۶ آغاز شد. مطابق گزارش ساواک از همین زمان بود که اکثر اعضای این نمایندگی به صورت وابسته در قسمت‌های مختلف سفارت و یا در پوشش‌های مختلف در مؤسسات وابسته و یا شرکت‌های آمریکایی و همچنین هیئت‌های فرهنگی، علمی، اقتصادی و غیره جهت کسب خبر در زمینه‌های مورد علاقه به کشور شاهنشاهی اعزام و مشغول فعالیت می‌گردند.

قرارگاه اصلی نمایندگی سی‌آی‌ای در تهران قسمتی از طبقه دوم ساختمان مرکزی سفارتخانه بود. به علاوه یک سازمان کوچک شش‌نفری هم در عمارت کنسولگری آمریکا واقع در خیابان ایرانشهر تهران قرار داشت. طبق تحقیقات اداره کل هشتم ساواک تشکیلات سی‌آی‌ای در ایران صرفاً در همین‌جا تمرکز دارد. نیاز به توضیح نیست که نمایندگی سی‌آی‌ای در اماکنی مستقر شده بود که مصونیت سیاسی داشتند و گارد آمریکایی از آنها محافظت می‌کرد.

در سال ۱۳۵۲ با انتصاب ریچارد هلمز به‌عنوان سفیر ایالات‌متحده در تهران، سفارتخانه تغییرات اساسی به خود دید و ارکان سیاست آمریکا در تهران مستحکم‌تر از سالیان گذشته شد. هلمز تا پیش از آن، هفت سال ریاست سازمان سی‌آی‌ای را برعهده داشت و پس از آن رهسپار تهران شد. گزارش‌های ساواک از سفارت آمریکا در تهران در دوره ریچارد هلمز، حاکی از شدت گرفتن فعالیت‌های حفاظتی-امنیتی سفارتخانه بود. گزارش ساواک به تاریخ ۲۰ فروردین ۱۳۵۲، از آغاز اقدامات شدید حفاظتی برای کارمندان ایرانی و خارجی سفارت آمریکا هم‌زمان با ورود کلارک دیتمر، رئیس امور امنیتی و هلمز، سفیر آمریکا خبر می‌داد. تمام درهای سفارت به جز در روبه‌روی ساختمان مرکزی و در گاراژ بسته شدند. نگهبانان ایرانی و خارجی درهای ورودی را کنترل می‌کردند و هیچ‌کس بدون کارت شناسایی نمی‌توانست وارد سفارتخانه شود. گزارشی که در ۹ بهمن ۱۳۵۲ به دست مدیرکل اداره هشتم ساواک رسید، بیانگر ابعاد وسیع‌تری از اقدامات حفاظتی و امنیتی سفارت بود. نصب زنگ خطر در اتاق‌های سفارتخانه، ساخت یک اتاق شیشه‌ای ضدصدا در وسط سالن طبقه دوم سفارت، انتقال اتاق گاردها به نزدیکی در ورودی، نصب دستگاه آژیر آتش‌سوزی در محل اداره اطلاعات آمریکا و چندین تغییر حفاظتی و امنیتی دیگر در مهر ۱۳۵۳، ساواک خبردار شد که سفارت آمریکا در تهران تجهیزات جدیدی وارد کرده است. دستگاه نخست را اداره امنیت سفارتخانه از آمریکا وارد کرده بود. این وسیله می‌توانست هر نوع نامه و بسته‌ای را بدون باز کردن کنترل کرده و داخلِ مرسولات را بررسی کند. تجهیزات دیگری که اخیراً در اختیار بخش امنیتی سفارت قرار گرفته، دو قبضه اسلحه بود که به جای گلوله جنگی، گلوله‌ای حاوی مایع بیهوش‌کننده شلیک و بلافاصله شخص مورد حمله را به مدت چهار ساعت بیهوش می‌کرد.

گزارش‌هایی که در ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ درباره سفارت آمریکا به ریاست اداره کل هشتم ساواک رسید، اغلب وضعیت نگاهداری از اسناد محرمانه سفارتخانه را توصیف می‌کرد. کلیه اسناد به کلی سری سفارت آمریکا در اتاقی که در طبقه فوقانی محل کار سفیر و رؤسای بخش‌های مختلف سفارت قرار دارد، بایگانی می‌شود. بعضی از اسناد به حدی حائز اهمیت می‌باشند که از محل مربوطه خارج نمی‌شود و حتی اگر لازم باشد که سفیر آن را ملاحظه نماید، شخصاً سفیر به اتاق مربوطه مراجعه و سند مزبور را مطالعه می‌نماید. در گزارش دیگری به همین تاریخ نحوه امحای اسناد و اوراق باطله منعکس شده است. بر این اساس سفارت آمریکا به منظور بایگانی تمام اسناد طبقه‌بندی‌شده، خود یک گاوصندوق در هر اتاق سفارت. قرار داده است. در کنار این گاوصندوق‌ها در هر اتاق دو پاکت آشغالدان قرار دارد که پاکت اول مربوط به اوراق باطله‌ای است که طبقه‌بندی به کلی سری و سری دارند که در آخر وقت اداری تمام محتویات پاکت مزبور به‌وسیله دستگاه مخصوصی به پودر تبدیل می‌شود. پاکت دوم که مربوط به اوراق باطله خیلی محرمانه می‌باشد، در آخر وقت اداری سوزانده می‌شود. توضیح این که در آخر وقت اداری این پاکات به وسیله تفنگداران آمریکایی جمع‌آوری و معدوم می‌گردند. گزارش دیگر، مربوط به دوربین‌های مداربسته سفارت بود. سفارت آمریکا در تهران مجهز به سه دوربین است، دوربین اول در مقابل در ورودی پارکینگ قرار دارد، دومین دوربین بر طبقه اول ساختمان اصلی و راهروی طبقه زیر اشراف دارد و دوربین سوم در قسمت درب شرقی سفارت تعبیه شده است. این دوربین‌ها قابلیت چرخش ۳۶۰ درجه‌ای دارند و مرکز کنترل آنها در اختیار تفنگداران آمریکایی در طبقه همکف ساختمان اصلی است.

خاطرات «جرد کوشنر» داماد دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا- ۳۹

دستورالعمل کاخ سفید درباره مسائل حساس امنیتی

دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان

ما توئیت‌های رئیس‌جمهور را از دست داده بودیم زیرا من و لوئیس تلفن‌های همراه خود را در جعبه‌ای امن و عایق صدا قرار داده بودیم، این دستورالعمل کاخ سفید هنگام بحث در مورد مسائل حساس امنیت ملی بود. تلفن‌های ما به‌طور شگفت‌آوری در معرض نفوذ خارجی بودند: هکرها می‌توانستند میکروفون‌ها و دوربین‌های ما را برای ضبط مکالمات روشن کنند- حتی زمانی که تلفن‌ها خاموش بودند.

برای بررسی جزئیات یک قرارداد جدید، لوئیس ویدگارای کاسو(۱)، وزیر امور خارجه تازه منصوب شده مکزیک را به واشنگتن دعوت کردم. در پی تماس ما در شب انتخابات، رئیس‌جمهور پنیا نیتو از لوئیس خواسته بود به‌عنوان دیپلمات ارشد مکزیک و رابط اصلی با واشنگتن به دولت بازگردد. او در ابتدا تمایلی نداشت، زیرا به تازگی سبک زندگی آرام‌تری را با خانواده‌اش شروع کرده بود، اما پذیرفت زیرا می‌دانست اعتماد پایدار ما به‌طور منحصربه‌فردی او را در جایگاهی قرار خواهد داد تا به مکزیک در مسیر پیچیده پیش‌رو کمک کند.

لوئیس صبح زود ۲۶ ژانویه به دفتر من آمد. همان‌طور که ما در حال برنامه‌ریزی بودیم، بنن شنید یک سیاستمدار ارشد در دفتر من است، بنابراین او نیز به ما ملحق شد. ما سه نفر در مورد مذاکرات تجاری که قرار بود در چند هفته آینده در کاخ سفید با حضور رئیس‌جمهور پنیا نیتو و نخست‌وزیر کانادا جاستین ترودو(۲) برگزار کنیم، گفت‌وگو کردیم. برای نهائی کردن برنامه‌هایمان، با رئیس کارکنان ترودو، کتی تلفورد(۳)، کاربر با استعدادی که در دوران انتقال با او آشنا شده بودم، تماس گرفتیم.

«آیا جلسات هنوز ادامه دارد؟» تلفورد پرسید.

گفتم: «منظورت چیه؟»

«امروز صبح توئیت‌های او را ندیدید؟»

ما توئیت‌های رئیس‌جمهور را از دست داده بودیم زیرا من و لوئیس تلفن‌های همراه خود را در جعبه‌ای امن و عایق صدا قرار داده بودیم، این دستورالعمل کاخ سفید هنگام بحث در مورد مسائل حساس امنیت ملی بود. تلفن‌های ما به‌طور شگفت‌آوری در معرض نفوذ خارجی بودند: هکرها می‌توانستند میکروفون‌ها و دوربین‌های ما را برای ضبط مکالمات روشن کنند- حتی زمانی که تلفن‌ها خاموش بودند. تلفنم را برداشتم تا توئیت‌ها را باز کنم: «ایالات متحده ۶۰ میلیارد دلار کسری تجاری با مکزیک دارد. این یک معامله یک‌طرفه از ابتدای نفتا با تعداد زیادی... مشاغل و شرکت‌های شکست خورده بوده است. اگر مکزیک تمایلی به پرداخت هزینه برای دیوار که بسیار ضروری است ندارد، بهتر است جلسه آتی را لغو کند.»

تلفن را قطع کردم، لوئیس و بنن را در دفترم گذاشتم و به سمت اقامتگاه اجرائی حرکت کردم. همان‌طور که در امتداد همان ستون‌هایی که در نوامبر با رئیس‌جمهور اوباما عبور کرده بودیم، راه می‌رفتم به تمام دستیاران قبل از خودم در کاخ سفید فکر می‌کردم که احتمالاً وقتی دوربین‌های خبرنگاران رفته بودند از این مسیر عبور کرده بودند، همان کاری که من اکنون انجام می‌دادم. تا آن لحظه، من همیشه به راهروی پر از ستون به‌عنوان یک راهروی باشکوه و باوقار فکر می‌کردم. اما برای من سؤال شد آیا برای افرادی که در داخل کاخ سفید کار می‌کردند، واقعاً این یک راهروی وحشت است؟

از آنجایی که ملانیا هنوز به واشنگتن نقل مکان نکرده بود، من مستقیماً وارد اتاق خواب ترامپ شدم، جایی که او در حال خواندن اسناد بود و اخبار از تلویزیون پخش می‌شد. او روز قبل دستور اجرائی برای وزیر امنیت داخلی امضا کرده بود که تمام امکانات موجود را برای ساخت دیوار مرزی تجمیع کند. در ساعت‌های پس از امضا، منابع ناشناس در دولت مکزیک به نیویورک‌تایمز گفته بودند. رئیس‌جمهور پنیا نیتو در حال بررسی لغو سفر قریب‌الوقوع خود به کاخ سفید است. با دیدن این گزارش‌ها، ترامپ که دوست ندارد کسی در برابرش انصراف دهد، تصمیم گرفته بود ابتکار عمل را در دست بگیرد.

من در مورد این توئیت با او مقابله کردم: «لوئیس در حال حاضر در دفتر من است. او به من اطمینان می‌دهد که آن‌ها مایل به ایجاد برخی تغییرات اساسی هستند و ما برنامه‌ای داریم تا مذاکرات مجدد نفتا را در طول سفر پنیا نیتو اعلام کنیم. این می‌تواند کل ماجرا را از مسیر خارج کند.»

ترامپ با تردید پرسید آیا فکر می‌کنم واقعاً می‌توانیم با مکزیک معامله کنیم یا خیر، و من از او خواستم حداقل اجازه دهد تلاش کنم. او متوجه شد ممکن است توئیت خود را زودتر از موعد منتشر کرده باشد، به شوخی پاسخ داد: «من نمی‌توانم این کار را برای شما خیلی آسان کنم.»

پی‌نوشت‌ها:

۱. Luis Videgaray Caso

۲. Justin Trudeau

۳. Katie Telford